

حاج محمد حسن

شیرازی - آشتیانی - وکیل الدوله

این حسن با آن حسن ، هزار و صد گز رسن

یکی از وقایع مهم دوره ناصرالدین شاه قیام مردم و مخالفت با امتیاز تنباکو است که به يك شرکت انگلیسی و به کمپانی رژی داده شده بود. سلسله جناب شورشیان طهران میرزا حسن آشتیانی بود که می گفت میرزای شیرازی (حاج محمد حسن شیرازی مجتهد اعلم وقت) حکم به تحریم استعمال تنباکو داده و مادام که امتیاز مورد بحث لغو نگردیده است این حکم به قوت خود باقی خواهد ماند.

میرزای شیرازی یکی از علمای بزرگ شیعه و فرزند میرزا محمود است که در تاریخ ۱۲۳۰ هـ . ق در شیراز متولد گردیده و از سن شش سالگی به تحصیل علوم پرداخت وی به سرعت مراحل مختلف تحصیل را طی کرد و در سن هفده سالگی به اصفهان که در آن ایام دارالعلوم دینی بود رهسپار شد و نزد علمای بزرگ آن عصر از قبیل شیخ محمد تقی صاحب حاشیه بر معالم (نیای آقا نجفی معروف) و میرزا محمد حسین خاتون آبادی به تحصیلات خود ادامه داد . میرزادر ۱۲۵۹ به عتبات رفت و در نجف اشرف رحل اقامت افکند و چندی در حوزة درس شیخ محمد حسن صاحب جواهر حاضر شد و پس از فوت او در محضر درس شیخ مرتضی انصاری حضور یافت و بعد از ارتحال شیخ مرتضی از طرف عموم علمای امامیه به ریاست برگزیده شد . میرزا در ۱۲۹۱ به سامره مهاجرت کرد و حوزة تدریس خود را در آن جا قرارداد و از آن تاریخ سامره که قبلا حکم کشتار گاه شیعیان را داشت

و کسی راجرئت اقامت در آن جانبه بود به صورت مأمن پیروان تشیع در آمد . بعد از واقعه رژی و صدور حکم تحریم استعمال تنباکو و درهم شکستن سیاست استعماری انگلیس در ایران میرزای شیرازی شهرت جهانی به دست آورد . از کارهای برجسته او تأسیس مدرسه بزرگی است در سامره که امروزه نام او مشهور است و دیگری بنای دارالایتامی که تا آن تاریخ بی سابقه بود . ساختمان پل بزرگ شط سامره که در آن زمان هزار لیره عثمانی خرج آن شد و شهر سامره را احیا کرد یکی دیگر از اقدامات شایان میرزای شیرازی است . محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب آلمائو و آلائاروی را به این شرح معرفی کرده است :

«حاج محمد حسن شیرازی امروز در نظر اهل علم مجتهدین است کافه مقلدین شیعه فتاوی وی را مناط صحت عمل قرار داده اند . باریکی نظر و نازکی فکر او در فقاهت می گویند کسی از معاصرین ندارد . به حسن خلق و مجاهدت نفس ضرب المثل می باشد . زمانی بعد از رحلت شیخ الطایفه استاد الکل حجة الحق مرتضی الانصاری مقام تقدیم این بزرگوار ظهور به هم رسانید . کافه افاضل عراق و مجتهدین آفاق در حق او بر براعت و رحبان از عان آوردند و به موجبی از نجف اشرف به سامره رفته آن جا را دارالمجره قرار داد و در جوار مشهد مبارک عسکرین و سرداب مقدس مجاورت اختیار فرمود و به افاضه و ترویج اشتغال گرفت . السید السند و الفقیه المؤید جناب میرزا محمد فرزند نامدارش در مزایای صوری و معنوی بر پدر بزرگوارش همی تأسی می نماید و اقدامی فرماید . الحاصل علامه مشارالیه در جمیع فنون و فضایل پیشوائی است کامل.»

روز دوشنبه هشتم ماه شعبان ۱۳۱۲ طایر روح پرفقوح حاج میرزا محمد حسن شیرازی به شاخسار جنان پرواز کرد و عالم تشیع را عزادار ساخت . عبدالله مستوفی در باب فوت میرزای شیرازی چنین می نویسد: در تمام شهرها بمناسبت ارتحال میرزای شیرازی مجالس ترحیم برپا داشتند . در طهران گذشته از مجالس فاتحه محلات و علما از طرف دولت هم در مجلس شاه مجلس ترحیم منعقد شد . ناصرالدین شاه بارجال در بار برای جمع کردن ختم به مسجد شاه رفت . در همین ایام کوروپا تکین ژنرال روس که به سمت

سفارت کبرای فوق العاده به دربار ایران مأمور شده بود به طهران آمد . دولت به احترام مقام روحانی میرزای شیرازی وفوت آن مرحوم پذیرائی های سفیر کبیر فوق العاده را تعطیل کرد و بعد از برگزار شدن مراسم ترحیم مجدداً شروع نمود .

این ژنرال یکی از رجال مهم نظامی روسیه تزاری و در استقرار نفوذ روس ها در ترکستان زحمتی کشیده و مأموریتش در ایران نیز البته باطناً برای مطالعات نظامی بود . ولی مردم از تجلیلاتی که دولت از این سفیر کبیر به عمل آورد خوشدل نبودند و به همین جهت اشعاری ساختند که بچه ها در معا بر عمومی میخواندند . از آوردن عین اشعار به جهت فحاشی رکیکی که به جناب سفیر کبیر در بردارد خودداری می کنم .

اجمالاً تمام اشخاص و اشیائی را که در استقبال سفیر به کار رفته بود مع شئی زاید به جناب ایشان حواله داده بودند . شنیده شد که از طرف سفارت روسیه تزاری در نزد صدراعظم گله ای هم شده بود و بر خلاف معمول از طرف دولت جلو گیری هائی هم از خواندن این اشعار به عمل آمد ولی بچه های پایتخت یکی دو ساعت بعد از غروب که کوچه ها خلوت می شد و چشم پلیس را دور می دیدند اشعار خود را طوری بلند و شمرده می خواندند که در اعماق خانه ها هم مضمون آن ها را همه کس می شنید و مقصود را بدون این که حرفی از سفیر روسیه در کار باشد درک می کرد .



میرزا محمد حسن آشتیانی هم یکی از علمای بزرگ ایران بود و محمد حسن خان اعتماد السلطنه راجع به او چنین می نویسد : «میرزا محمد حسن آشتیانی سلمه الله در تاریخ جمع این تألیف (یعنی ۱۳۰۶ هـ ق) از رؤسای بزرگ دارالخلافه است . تحصیل و تکمیل وی در خدمت استاد الکل شیخ الطایفه حجه الحق شیخ مرتضی شوشتری انصاری رضوان الله علیه شده . از وقتی که این بزرگوار به طهران آمده است تکمیل اصول الفقه را بر سبک جدید وسیله عظمی پدید شده بعد از مرحوم حاج ملاحادی عمده تلمذ طلاب و مستعدین در دارالخلافه بر این دانشور یگانه است و سال هائی گذرد که زحمات حکومت شرعیه کلیتاً بر عهده وی قرار گرفته .» علامه فقید استاد محمد قزوینی می گوید : «حاج میرزا

حسن آشتیانی ساکن طهران از اعظم علما و مجتهدین و اصولین این قرن اخیر که بعد از مرحوم استاد او شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه تا کنون مابین علمای شیعه هیچ کس مطلقاً و اصلاً به تبجرواحاطه او در علم اصول فقه و سعه اطلاع او از جمیع جزئیات و شقوق مسایل آن فن نیامده است و حاشیه بسیار مفصل و مبسوط او بر «فراید الاصول» مشهور به «رسایل» تألیف استاد او مرحوم شیخ مرتضی انصاری سابق الذکر در ۱۳۱۵ قمری در طهران به طبع رسیده است. وفات او در روز بیست و هشتم جمادی الاولی سنه ۱۳۱۹ در طهران روی داد و تقریباً تمام اهالی طهران در تشییع جنازه آن مرحوم یا مشاهده عبور آن بیرون آمده بودند و جمیع بازارها و دکانین بسته شده بود و مردم در کوچه‌ها زار زاری گریستند. سنش قریب به هفتاد بود رحمه الله علیه رحمة واسعة»



به استناد مطالب مندرج در کتاب تحریرم تنباکو «بازرگانان و علمای طهران تلگرافات خود را که علیه کمپانی رژی انگلیسی بود به حاج محمد حسن و کیل الدوله مقیم کرمانشاه مخابره می‌کردند. حاج محمد حسن و کیل الدوله نیز مطالب این تلگرافات را عیناً به حاج عبدالرحیم پسرش که در بغداد اقامت داشت مخابره می‌نمود و وی شخصاً این تلگرافات را به سامره نزد میرزای شیرازی می‌برد و جواب می‌گرفت به منظور استحضار خوانندگان گرامی مجله وحید از سابقه حاج محمد حسن و کیل الدوله به ترجمه شرحی که لارد کرزن راجع به او در کتاب «ایران و مسئله ایران» نوشته است مبادرت می‌شود: «تمام مسافران انگلیسی از حاج محمد حسن و کیل الدوله به نیکی یاد کرده‌اند. حاج محمد حسن را مستر رانیسون از بغداد به ایران برد و بنمایند کی دولت انگلیس در کرمانشاه بر گماشت حاجی از آن تاریخ تا کنون خدمات برجسته‌ای انجام داده و چون دارای نشان سی.ام.جی ازدولت انگلیس است فوق العاده از این رهگذر به خود می‌بالد. حاجی محمد حسن بواسطه کاردانی و مهارت در امور بازرگانی به زودی ثروت هنگفتی به دست آورد و دارای صدقیریه و آبادی دربست و شش دانگ شد. وی به تدریج شش کاروان سراساخت و باغ و عمارت محمد علی میرزا دولت‌شاه پسر فتح علی شاه را خریداری نمود.

البته سر عمده پیشرفت کار او تحت الحمایگی دولت انگلیس بود و بهمین سبب مأمورین دولت نمی توانستند هر روز به عناوین مختلف او را بدوشند . وی در جشن تولد ملکه ویکتوریا تمام شهر کرمانشاه را آذین بندی و چراغان کرد و به اعیان و معاریف شهر شام و ناهار داد و به این طریق آبرو و حیثیت نمایندگی ما را حفظ نمود . در این اواخر که من او را در طهران ملاقات کردم خیلی پیر شده بود و از بیماری مالاریا رنج می کشید چون اطبای طهران از معالجه او عاجز ماندند به سفارت انگلیس رفت و تحت درمان طبیب مخصوص سفارت و سایر پزشکان اروپائی قرار گرفت و نزدیک بود معالجه و از بیماری و از چنگ مرگ خلاص شود ولی متأسفانه با همه تلاشهایی که برای بهبود او به کار رفت ناگاه اجل گریبان او را گرفت و بالاخره او را به خاک کشید .

طبق اطلاع حاج محمد حسن و کیل الدوله نیای خانواده پالیزی کرمانشاه است و محمد حسن خان اعتماد السلطنه در روزنامه خاطرات خود او را چنین وصف میکند: «امروز صبح به دیدن آقا حسن و کیل الدوله که از کرمانشاه تازه آمده رفتم نشان سنت میشل با لقب بهادر خانی از طرف دولت انگلیس به حاج آقا حسن داده شده و این دلیل بر کمال اعتمادی است که انگلیسی ها به او دارند .»

بقرایکه ملاحظه می شود حاج محمد حسن و کیل الدوله مورد اعتماد کامل دولت انگلیس بوده و در این صورت معلوم نیست که وی از هم آهنگی با مخالفان کمپانی رژی انگلیسی چه مقصود و منظوری داشته که تلگرافات طهران و سامره و یا بالعکس را به مقصد میرساینده است !!!

حکیم نظامی

عدالت

رسیدند از قضا بر چشمه ساری
یکی پر خورد کاین جان میفزاید
ز محرومی و سیری هر دو مردند

دو وزیرک خوانده ام کاندردیاری
یکی کم خورد کاین جان میگزاید
چو برحد عدالت ره نبردند